

بررسی عوامل جامعه شناختی بقای زندگی گروهی زرتشتیان ایران

الهام حبیبی ۱ و سعید معدنی ۲

۱ کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ایران

Habibi386@yahoo.com

۲ استادیار جامعه شناسی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

Maadani25@yahoo.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی عوامل جامعه‌شناختی بقای زندگی گروهی زرتشتیان ایران می‌باشد. با توجه به اینکه موضوع پژوهش حاضر به بررسی دلایل بقا زرتشتیان پس از ورود اسلام به ایران می‌پردازد، این پژوهش را می‌توان در حوزه‌ی پژوهش‌های کیفی از نوع تاریخی دانست. جامعه مورد بررسی زرتشتیان مقیم ایران پس از حمله اعراب مسلمان به ایران می‌باشد. در این میان بررسی زندگی و دلایل بقا زرتشتیان در ادوار صفویه، قاجاریه، پهلوی و پس از انقلاب اسلامی ایران به دلیل نقش برجسته‌ای که بر روند زندگی زرتشتیان داشته‌اند مورد بررسی قرار گرفت. جهت جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای مطالب مرتبط جمع‌آوری و از روش فیش‌برداری از نوع هدفمند مطالب خلاصه شد. بررسی‌ها نشان داد که در زمان صفویه پرداخت جزیه‌های سنگین و قوانین تبعیض‌آمیز سبب مهاجرت تعداد زیادی از زرتشتیان به دیگر کشورها شد. در دوره قاجار و پس از فرمان معافیت زرتشتیان از پرداخت جزیه و بهبود شرایط اقتصادی زرتشتیان در کنار کسب فرصت مناسب جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی و حضور سیاسی وضعیت آنان تا حدودی بهبود یافت تا جایی که در زمان پهلوی تعداد زیادی از مهاجران به ایران بازگشتند و در امر رشد و پیشرفت کشور ایران اقدامات جدی انجام دادند. با روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران تلاش شد تا قوانینی تنظیم شود که سبب زندگی مسالمت‌آمیز مسلمانان و غیرمسلمانان در کنار یکدیگر شود. با این حال، وجود برخی قوانین متفاوت میان اقلیت‌ها و مسلمانان هنوز هم محل اختلاف است. تغییر در جایگاه اجتماعی، شرایط اقتصادی و حضور در مسئولیت‌های سیاسی و اقتصادی همگی از جمله دلایلی هستند که بر بقا، مهاجرت و جمعیت زرتشتیان اثر گذارند.

واژه‌های کلیدی: زرتشتیان ایران، مهاجرت به هند، عهد صفویه و قاجار، عهد پهلوی

مقدمه

یکی از قدیمی‌ترین ادیان جهانی و ایرانی، دین زرتشت است که برآمده از سرزمین ایران است و جزو اولین ادیان یکتاپرستی محسوب می‌شود که در طلوع تمدن بشری در ایران ظهور کرده است. دین زرتشتی تا قبل از اسلام دین غالب ایران بوده است و مایه افتخار تمامی ایرانیان و نیز بزرگ مردانی بوده که با تأسی از این دین تاریخی خدمات و نیکی‌های فراوانی را به این سرزمین کهن ارزانی داشته و نام خود را بر پیکر تاریخ ایران حک کرده‌اند. زرتشتیان مردمی بودند با سابقه کهن، اینان از گذشته‌های دور در ایران ساکن بودند و بعد از ورود اسلام این گروه در قالب اقلیتی محدود به زندگی پرداختند. دین زرتشت یا مزدایی که مبتنی بر گفتارهای فردی به نام زرتشت است که در ایران قدیم به مذهب اصلی ایرانیان تبدیل شد. دین زرتشتی، در دوران امپراطوری هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ ق م) و پادشاهی پارت‌ها (۲۴۷ ق م تا ۲۲۴ م)، به مذهب اصلی تبدیل شد. در دوران ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱ م)، زرتشتیان اکثریت مردم ایران را تشکیل می‌دادند و مذهب رسمی کشور نیز زرتشتی بود (بویس، ۱۳۷۶).

پس از فتح ایران توسط اعراب در فاصله قرن ششم و هشتم میلادی، جمعیت زرتشتیان ایران به تدریج رو به کاهش گذاشت. گسترش نفوذ اسلام در اواسط قرن نهم میلادی به اوج خود رسید. کوشش حاکمان مسلمان ابتدا معطوف به این بود که زرتشتیان به سرعت مسلمان نشوند تا از این طریق درآمد حاصل از "جزیه"، یا مالیاتی که از غیر مسلمانان گرفته می‌شد، چندان کاهش نیابد. اما آنان به تدریج از این کوشش دست برداشتند و عملاً کیش خود را بر زرتشتیان تحمیل کردند. با افزایش خطر جذب و استحاله در جامعه رو به رشد اسلامی و بخصوص با کاهش جمعیت زرتشتیان، اشتیاق به حفظ میراث فرهنگی در آنان قوت گرفت. با این همه، تلاش و شگرد زرتشتیان این بود که از ایستادگی و مقاومت در برابر قدرت حاکم بپرهیزند. شاید به همین دلیل بسیاری از آنان از هرگونه تماس با مسلمانان دوری جستند و به مناطق کم جمعیت مرکزی ایران مانند یزد و کرمان پناه بردند. گروهی از زرتشتیان که پس از حمله اعراب مسلمان نشدند به هندوستان مهاجرت کرده و پارسیان لقب گرفتند. پارسی‌ها یا فارسی‌های هند با هم مسلکان خود در ایران ارتباط جسته گریخته‌ای را حفظ کرده‌اند. که بیشتر جنبه عبادی-عاطفی دارد تا روشنفکری و فرهنگی. در سده‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی جهانگردان اروپایی در سفرهای خود به شهرهایی چون اصفهان خبر از تمسخر زرتشتیان با عناوینی چون "گبر" دادند و از فقر و بیچارگی، جابجایی اجباری، آوارگی و آزار آنان، از جمله اعدام موبدان بزرگشان، سخن گفتند (بویس، ۱۹۷۷).

به این ترتیب، موارد تبعیض و ستم مذهبی علیه آنان پراکنده و اندک بود. با غلبه بر دشواری‌های زمان، اعقاب زرتشتی‌ها، علیرغم پرداخت اجباری "جزیه" به بنی امیه (۶۵۱-۷۵۰ م)، عباسیان (۷۵۰-۱۲۵۸ م) و سلجوقیان (۱۱۹۴-۱۰۳۷ م)، توانستند به مذهب خود پایبند بمانند. جامعه زرتشتی حتی در دوران کوتاهی، در دوران حکومت ایران دوست آل بویه (۹۲۴-۱۰۵۵ م) به شکوفایی فرهنگی تازه‌ای رسید (چاکسی، ۱۹۸۹: ۷۲).

پس از انقلاب اسلامی ایران، زرتشتیان ایرانی از حقوق و آزادی‌های بسیاری در کشور برخوردارند. دارا بودن یک نماینده در مجلس شورای اسلامی علیرغم کمی جمعیت، داشتن نماینده در شوراهای اسلامی شهر و روستا، انجام آزادانه فعالیت‌های مختلف اجتماعی و مدنی در قالب ۲۸ انجمن و داشتن سازمان‌های غیر دولتی فعال در زمینه‌های مختلف، نشان دهنده مشارکت سیاسی و اجتماعی این اقلیت دینی در ایران می‌باشد. پیروان دین زرتشت مطابق قانون اساسی از حق انجام آزادانه فعالیت‌های دینی و عبادی در سراسر کشور برخوردارند. لذا اماکن مذهبی مختلف برای انجام مراسم مذهبی ویژه این آیین وجود دارد. جوامع "پارسی‌ها" و سازمان‌های گوناگون آنان در سراسر دنیا، برای مساعدت به زرتشتیان ایران برای مهاجرت به امریکا، کانادا و استرالیا نیز فعال بوده‌اند. در چند سال اخیر، با بهبود مناسبات ایران و برخی از جوامع غربی و نیز فراهم شدن امکان سفرهای پژوهشی اندیشمندان به ایران، بررسی وضعیت زرتشتیان ایران دوباره مورد توجه قرار گرفته است (چاکسی، ۱۹۸۹). از اینرو با توجه به پیشینه‌ای تاریخی چشمگیر دین زرتشتی و ریشه‌های آن در فرهنگ و تاریخ ایرانی و باقی ماندن بسیاری از آداب و سنن آن حتی در زندگی غیر زرتشتیان و لزوم بررسی همه جانبه این جمعیت و راز و رمز بقای آن با گذشت قرن‌ها لزوم و ضرورت انجام تحقیقات بیشتر در این خصوص به دلیل کمبود منابع در این حوزه امر مهمی است که سبب شکل

گیری پژوهش حاضر گردیده است. بر این اساس هدف از این پژوهش بررسی دلایل بقای زرتشتیان علیرغم فشارها و موانع اجتماعی در تاریخ ایران پس از اسلام می باشد.

مبانی نظری پژوهش

مروری بر چهار دوره تاریخی زندگی زرتشتیان

زرتشتیان در دوره صفویه

نظام دولت صفوی بر مبنای قوانین دین اسلام و مذهب شیعه اثنی عشری پایه ریزی شده بود. شیعیان در آن زمان حتی در مقایسه به اهل تسنن از مدارای بسیار کمتری در برار غیرمسلمانان بهر میگریفتند. این شرایط به گونه ای بود که در مواقع بسیاری زندگی و مرگ یهودیان و زرتشتیان بستگی به تصمیمات و فتوهای روحانیون شیعه داشت (شهمردان، ۱۳۶۱: ۲۶۹-۲۷۰). زرتشتیان ایران پس از سقوط سلسله ساسانی از اکثریتی غالب به اقلیتی پراکنده تبدیل شدند. این گروه اساساً در سه نقطه جهان اسکان گزیدند؛ عده‌ای زیادی در چین، تعدادی در شمال غرب هند که نیاکان پارسیان بودند و گروه‌های دیگری نیز به صورت پراکنده در جنوب و شمال شرق ایران سکونت گزیدند (انگلیش، ۱۳۴۰: ۳۴). زرتشتیان ایران به رغم تغییر اوضاع و شرایطی که پیدا کرده بودند تا قرن چهارم هجری قمری در مناطقی چون شیراز، سیرجان، کرمان، ری و سرخس ساکن شدند (افشار، ۱۳۷۴: ۸۲۳). به رغم اطلاعات دقیق درباره شرایط اجتماعی زرتشتیان تا روزگار صفوی چنین به نظر می رسد که زرتشتیان، طبق قاعده مرسوم اهل ذمه، به پرداخت جزیه، احترام به آداب اسلامی، پذیرش احکام قضایی و جزایی اسلام و عدم فعالیت و توطئه علیه مسلمین موظف بودند (عمید زنجانی، ۱۳۷۰: ۵۰).

رسمیت یافتن مذهب شیعه در دوران صفوی، بی شک تأثیر مثبتی در بهبود روابط میان زرتشتیان و مسلمانان نداشت. چه، زرتشتیان در این بیم به سر می بردند که از سوی روحانیان و پیشوایان متعصب شیعه مجبور به اعراض از کیش خود و پذیرفتن اسلام شوند. از همین رو، شماری از زرتشتیان در چند قرن گذشته، برای گریز از آزار و اجبار به مسلمان شدن ترک وطن کردند. برخی از خانواده‌هایی که تبارشان به دوران ساسانی می رسید، از راه آسیای میانه، به چین مهاجرت کردند. اعیان آنها، علی رغم محرومیت‌هایی که تا قرن سیزدهم به درازا کشید، در چین زندگی کردند و حتی به احداث آتشکده پرداختند. گروه‌های دیگری از زرتشتیان نیز به دشواری به منطقه قفقاز و جلگه روسیه مهاجرت کردند. از سوی دیگر "پارسی‌ها"، خود را با فرهنگ هندی تطبیق دادند و در زمینه‌های فرهنگی پویا و بالنده شدند. آنان در همان حال که آراء و باورهای مذهبی خویش را نگه داشتند اما زبان گجراتی (و بعدها زبان انگلیسی)، و رسوم فرهنگی هندی را جانشین زبان فارسی و بسیاری از آداب و رسوم ایرانی کردند. به سبب طبیعت ابهام آمیز مذهب هندو .

در زمان شاه عباس اول و به سبب تساهل وی در برابر اقلیت‌های دینی، مبلغ جزیه پرداختی زرتشتیان متعادل تر شد و در حد یک مثقال طلا معین گردید (تاج بخش، ۱۳۷۳: ۳۱۵). اما در خصوص کوچ اجباری، به دلیل اینکه زرتشتیان برخلاف ارامنه از جایگاه سیاسی و اقتصادی ویژه‌ای برخوردار نبودند، فشار بیشتری را تحمل می کردند (دنت، ۱۳۵۸: ۱۲). در واقع، آزار و ایدای زرتشتیان توسط شاه عباس اول در خصوص کوچ اجباری زرتشتیان یزد و کرمان به اصفهان و قتل دستوران زرتشتی از جمله مشکلات اصلی زمان شاه عباس اول برای این گروه از اقلیت‌ها است. هدف شاه عباس اول از کوچ اجباری زرتشتیان به اصفهان، کنترل بیشتر این اقلیت و جلوگیری از بروز هرگونه رخداد غیرمترقبه از طرف آنان بود (کجباف و تشکر، ۱۳۸۷: ۱۷۶). که تأثیر بسیار مخربی بر زندگی و بقا زرتشتیان در آن دوره زمانی داشت.

زرتشتیان در دوره قاجاریه

هنگام روی کار آمدن قاجار جامعه زرتشتی در بدترین وضعیت خود بود. بر پایه گزارش هاتاریا زرتشتیان در که در فقر شدید به سر می بردند، در کلبه‌های محقر و با رژیم غذایی محدود به برنج، نان و سبزیجات، روزگار می گذراندند. کار اغلب آن‌ها کشاورزی بود اما شمار اندکی از آنان به حرفه‌هایی چون نجاری، بافندگی و تجارت محلی مشغول بودند. جزیه زرتشتیان توسط حاکمان محلی جمع آوری و به مراجع اسلامی تسلیم می شد. با آنکه زرتشتیان رسماً به عنوان اهل ذمه شناخته شده بودند و

مورد حمایت بودند، اما مسلمانان عموماً آن‌ها را نجس می‌شمردند و اغلب به شیوه‌های خرد و درشت به آزارشان می‌پرداختند. بنا به تجربه‌ای که از سر گذرانده بودند، اغلب زرتشتیان پیوسته نگران مصادره و نابود شدن اموال خویش بودند و به همین دلیل برای پرهیز از رفتار یا واکنش‌های خصمانه، آئین‌های مذهبی خود را عموماً در حریم منازل و دور از انظار مسلمانان برگزار می‌کردند. چنین شرایطی زرتشتیان در هندوستان که از تبعیض و آزار مصون مانده بودند. توانستند آراء و آداب و رسوم مذهبی را که با خود از ایران آورده بودند حفظ کنند، گسترش دهند و به تعلیم موبدان و برپایی آتشکده‌ها پردازند (چاکسی، ۱۹۸۹: ۵۳-۱۱۰).

از جمله اقدامات اساسی پارسیان هند، فرستادن نمایندگانی از طرف خود به ایران بود تا به بررسی و سرو سامان دادن به شرایط زرتشتیان مقیم ایران پردازند. در عین حال، پارسیان توانستند، پس از چندین تلاش ناموفق، مقامات حکومت قاجار را نسبت به لغو جزیه قانع سازند. زرتشتیان که پیش از این، کارهای تجاری خود را پنهانی انجام می‌دادند و از کسب و کار پر رونقی برخوردار نبودند با صدور این فرمان آرام آرام جان تازه‌ای گرفتند. تصویب و اجرای این فرمان به دلیل کوشش‌های مانکجی لیم جی هوشنگ هاتریا، نماینده پارسیان به ایران، سبب آرامش فکری زرتشتیان و رونق و کسب جایگاه اقتصادی ویژه‌ای برای آنان گردید. به گونه‌ای که می‌توان گفت، در دوره قاجاریه زرتشتیان یکی از مهم‌ترین بنگاه‌های اقتصادی ایران را تحت نظارت داشتند. تجارتخانه‌هایی از جمله جمشیدیان، جهانیان و یگانگی همگی زیر نظر آنان فعالیت می‌کرد (کجباف، ۱۳۸۹). یکی دیگر از تحولات مهم در عصر قاجار، انتخاب یکی از رهبران زرتشتی به نام جمشید بهمن جمشیدیان در سال ۱۹۰۶ و پس از او کیخسرو شاهرخ در سال ۱۹۰۹، به نمایندگی مجلس بود. هر دو این نمایندگان نقش اساسی در بهبود اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی زرتشتیان ایفا کردند.

زرتشتیان در عصر پهلوی

در دهه‌های میانی قرن بیستم، یعنی در دوران پادشاهی پهلوی (۷۹-۱۹۲۵)، زرتشتیان ایران به زندگی تازه و بی‌دغدغه‌ای دست یافتند، زیرا اوضاع اقتصادی آنان بهبود یافت و از بار فشار و تهدید برای گرویدن به اسلام رها شدند. در این دوران حرکت به سوی مدرنیته و تلاش برای عرفی ساختن جامعه ایرانی سبب شد که برابری همه شهروندان از نظر قانون به رسمیت شناخته شود. دگرگونی‌های حقوقی و رسمیت یافتن قواعد عرفی، منجر به افزایش امنیت فردی و اجتماعی، دستیابی بیشتر به امکانات آموزشی و حرفه‌ای و آزادی عمل بیشتر در اجرای شعائر مذهبی و آداب فرهنگی زرتشتیان شد. تجلیل دولت از دوران پیش از اسلام ایران به دلایل سیاسی و اجتماعی و تلاش برای پیوند زدن میان همه گروه‌های مذهبی تحت لوای واحد ناسیونالیسم و تاریخ ایرانی، باعث ارتقاء حرمت زرتشتیان در چشم بسیاری از ایرانیان گردید.

در نتیجه بسیاری از زرتشتیان به مقام‌های بالای اجرائی در کشور دست یافتند و امثال رستم گیو و اسفندیار یگانه، پای در راه جمشیدیان و شاهرخ نهادند. در همان حال، با افزایش جاذبه‌های آموزشی و شغلی شهرها، روند مهاجرت زرتشتیان از روستاها به شهرها آغاز شد. در دوره رضاشاه پهلوی در حالی که شعائر اسلامی مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گرفت و روحانیون از هر سو تحت فشار بودند، وضع اقلیت‌های مذهبی در این دوره به مراتب بهتر از اکثریت مسلمانان بود. بنابر نوشته تاریخ کمبریج، در مقابل علما که در ایران جدید، منزلت و اقتدارشان آشکارا کاهش یافته بود، اقلیت‌های مذهبی... از اهمیت بیشتر و فرصت‌های بهتر برای پیشرفت اقتصادی برخوردار شده بودند که نتیجه حرکت‌های دولت رضاشاه در جهت برخورد برابر با کلیه شهروندان بود.

علاقه و ارتباط رضاخان با دیانت زرتشتی حتی به سال‌های اول کودتا برمی‌گردد. او در ملاقاتی با هیئتی از سران پارسیان از اینکه ایران و نسل جوان ایرانی تعالیم عالی مذهبی باستانی خود را نادیده گرفته و از آن بی‌اطلاع است ابراز تأسف کرد (شاهرخ، ۱۳۸۸: ۱۷۳). چنین حمایت‌هایی موجب شد تا زرتشتیان داخل ایران و خارج ایران به رضاخان علاقه‌مند شوند، به گونه‌ای که مجله ایران لیگ بمبئی همواره عکس نیم‌تنه‌ی وی را در اولین صفحه چاپ می‌کرد (شاهرخ، ۱۳۵۵: ۵۲). در سال‌های سخت مبارزه رضاخان که سرانجام منجر به تغییر رژیم قاجار شد، انجمن زرتشتیان به ریاست ارباب کیخسرو شاهرخ

همواره یار و مددکار رضاخان بود و این فعالیت‌های سیاسی با مساعدت مادی و معنوی پارسیان هند روبرو می‌شد. چرا که، آنان از آن پس می‌توانستند گمشدگان خرابه‌های مداین را در خانه پهلوی پیدا کنند (اشیدری، ۱۳۶۵: ۵۲-۷۷).

زرتشتیان پس از انقلاب اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طبق اصول ۱۳ و ۱۴ نیز ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی، تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون، در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی، بر اساس آیین خود عمل می‌کنند. در اصل ۱۴ قانون اساسی آمده است که به حکم آیه شریفه «لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین»، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند، نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاقی حسنه، قسط و عدل اسلامی عمل کرده حقوقی انسانی آن‌ها را رعایت کنند. این اصل برای کسانی معتبر شناخته شده که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

با این حال، در واقع با استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران و براساس قانون اساسی این نظام جامعه زرتشتی بار دیگر به مقام و موقع حقوقی یک اقلیت اجتماعی تنزل یافت. هرچند، جامعه زرتشتی ایران دارای یک نماینده در مجلس شورای اسلامی است. اما دارا بودن عنوان اقلیت شناخته شده مذهبی و حق فرستادن یک نماینده به مجلس، زرتشتیان را در زندگی روزمره مصون از تعرض و تحقیر و آزار نکرده است.

این در حالی است که در سال‌های پایانی دهه ۷۰ میلادی، زرتشتیان به وفاداری نسبت به ملت و دولت در ایران و همچنین به درستکاری و ایمان به خدا، شهرتی خاص داشتند. به سبب همین شهرت نیروهای انقلابی علیه زرتشتیان بسیج و تحریک نشدند و جامعه زرتشتی هدف حملات خشونت بار گروه‌های مبارز قرار نگرفت.

در مواردی زرتشتی‌ها به خاطر همکاری با نظام پهلوی، مجبور به پرداخت جریمه نقدی شدند، اما مبالغ دریافت شده، پس از چندی به سازمان‌های خیریه زرتشتی برگردانده شد. در مواردی دیگر، برخی از زرتشتیان ممنوع الخروج شدند اما به زندان نیفتادند. برای زرتشتیان شاغل در دستگاه‌های دولتی دگرگونی‌ها محسوس‌تر بود، زیرا مسلمانان از همکاران زرتشتی خود دوری می‌جستند و در نتیجه بسیاری از آنان ناگزیر به استعفا شدند (عمیقی، ۱۳۸۱: ۳۶۱-۳۶۲). پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بسیاری از شخصیت‌های نامدار زرتشتی، چون فرهنگ مهر، ایران را به قصد امریکا و کانادا ترک کردند. اما مهاجران زرتشتی و فرزندان آنان بیشتر مایل به برقراری پیوندهای اجتماعی با ایرانیان غیر زرتشتی بودند تا با هم مسلکان "پارسی" خود (هینلز، ۲۰۰۰: ۶۷-۶۹).

مهاجرت عده‌ای زیادی از زرتشتیان پس از انقلاب اسلامی ایران به امریکا، اروپا، کانادا، استرالیا و دیگر کشورهای جهان و تشکیل اجتماعات و انجمن‌های مختلف در آن‌ها برای حفظ سنت‌های فرهنگی و مذهبی خود (مهر، ۱۳۷۵: ۱۵۶) در حالی است که با شکوفایی انقلاب اسلامی ایران زرتشتیان پشتیبانی خود را از آن اعلام کرده‌اند و با حضور خود در جبهه‌های گوناگون، پیروزی نور بر تاریکی را گرمی داشتند و در این راستا جانب‌گشایی را نیز تقدیم ارزش‌های نیک انسانی در زادگاه اهورایی خود سرزمین ایران کرده‌اند. از پیامدهای انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی و شعله‌ور شدن تعصبات مذهبی در جامعه تعمیق علقه زرتشتیان به مذهب و خودآگاهی آنان به ضرورت تدریس و آموزش دانش دینی بود. از همین رو زرتشتیان به ادامه کار مدارس مذهبی خود در تهران، کرمان و یزد همت گماشتند. اما به موازات تشدید گرایش جامعه زرتشتیان به سوی مذهب، میزان تحمل جمهوری اسلامی نسبت به آموزش ادیانی غیر از دین اسلام در مدارس زرتشتیان چون «فیروز بهرام» یا «پندار نیک» رو به کاهش رفته است. با این همه، شمار زرتشتیان علاقه‌مند به تعلیمات مذهبی و نیز تعداد شرکت‌کنندگان در جشن‌هایی چون "مهرگان" رو به رشد است. در چنین گردهمائی‌هاست که زرتشتیان می‌توانند تجدید عهد کنند (عمیقی، ۱۳۸۱: ۱۹۷).

1. Hinnells

عوامل درون گروهی در بقای زرتشتیان

پس از هجوم تازیان به ایران، حکومت‌های عباسی و اموی در این کشور شکل گرفتند که بر آن بودند تا فرهنگ و زبان عربی را جایگزین فرهنگ و زبان پارسی سازند (نیکنام، ۱۳۸۱: ۱۲). در این میان هرچند برخی از زرتشتیان دین جدید را پذیرفتند، اما برخی دیگر با تحمل مصائب و سختی‌های مختلف وفاداری خود به دینشان را در اعصار مختلف حفظ می‌کنند که در ادامه به بررسی روش‌ها و دلایل بقا درون گروهی در دوره‌های تاریخی صفویه، قاجاریه، پهلوی و جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود. در عصر صفوی مهاجرت زرتشتیان به کشور هندوستان و شکل‌گیری گروهی تحت عنوان پارسیان (شهمردان، ۱۳۴۰: ۴۱) که سعی کردند همچنان بر آداب و رسوم که پیش از این کسب کرده بودند از جمله دلایل بقا این گروه حتی در داخل ایران در عصر صفوی محسوب می‌شود. چراکه این گروه پس از مهاجرت اقدام به راه اندازی کارخانه‌های تولیدی نمودند که باعث رونق کسب و کار و شرایط اقتصادی آنان گردید (نیکنام، ۱۳۸۱: ۱۸).

در این میان، گروه سوم از زرتشتیان پس از حمله اعراب مسلمان به ایران، پایداری، سازش و مبارزه در برابر فرهنگ تازه وارد را بر شیوه‌های دیگر ترجیح دادند و همچنان در سرزمین خود یعنی ایران باقی ماندند و از فرهنگ دینی و آداب و رسوم اجتماعی خود در برابر فشار و ستم حکومت‌های پس از ساسانیان پاسداری و نگهداری کردند (مهر، ۱۳۷۵: ۱۵۶). این گروه با تحمل سختی‌ها و دشواری‌های گوناگون همچون تحمل محدودیت‌ها مالی و اجتماعی گسترده مانند در سرزمین مادری خود را ترجیح دادند. در دوره صفویه زرتشتیان، طبق قاعده مرسوم اهل ذمه، به پرداخت جزیه، احترام به آداب اسلامی، پذیرش احکام قضایی و جزایی اسلام و عدم فعالیت و توطئه علیه مسلمین موظف بودند (عمید زنجانی، ۱۳۷۰: ۵۰). عمل به این قوانین از جمله دلایل بقا آنان در کشور ایران در عصر صفویه بود.

به دنبال رشد تجارت بین جنوب ایران و هند در قرن نوزدهم در دوره قاجاریه، وضعیت زرتشتیان ایران بهبود یافت. از جمله تعدادی از آنان در یزد و تجارت آن شهر اهمیت پیدا کردند که این در نتیجه تماس روزافزون با پارسیان مرفه، تاجر و تحصیل کرده شهر بمبئی بود (عیسوی، ۱۳۶۱: ۹۶). راه اندازی مدارس زرتشتیان در شهرهایی همچون یزد، کرمان و اصفهان توسط هاتاریا و نمایندگان پارسیان هند از جمله دلایل دیگری بود که در بقا زرتشتیان پس از اسلام اثرگذار بود چراکه آموزش و باسواد شدن فرصتی را برای آنان فراهم می‌ساخت تا بتوانند در شغل‌های دولتی و حکومتی مشغول به کار شوند.

شاید بتوان دوره اوج حضور زرتشتیان را عصر پهلوی دانست. در این دوران مردان زرتشتی، ضمن تلاش برای ارتقاء رفاه جامعه زرتشتی، به پذیرش و جذب ایده‌ها و آرمان‌های مدرنیته پرداختند. نمونه بارز آن، مهربان زرتشتی است وی عضو شورای مؤبدان و از بنیانگذاران سازمان جهانی زرتشتیان بود. شاهرخ سروشیان و ابراهیم پورداود (اندیشه پرداز و مسلمان زرتشتی شناس) و هم طرازان آنان، به دفاع از دین زرتشتی به عنوان یکی از اولین اشکال وحدانیت برخاستند. (شاهرخ و راشنا، ۱۹۹۴: ۲۱۸-۲۲۳). در عصر پهلوی با تلاش‌های صورت گرفته توسط جامعه زرتشتی روند مهاجرت پارسیان هند به ایران که از دو سال پیش از تغییر سلطنت آغاز گشته بود سریعتر شد (اشیدری، ۱۳۵۵: ۲۸ - ۲۹).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تنها سه دین زرتشتی، کلیمی و مسیحی به عنوان اقلیت در ایران به رسمیت شناخته شدند. براساس قانون اساسی زرتشتیان این جامعه اقلیت یک نماینده در مجلس شورای اسلامی دارند که موظف به پیگیری نیازها و احقاق حقوق آنان است. هرچند، برخی قوانین همچون این مساله که چنانچه در یک خانواده زرتشتی عضوی مسلمان شود محق است همه ثروت خانواده را به ارث ببرد. نیز اگر یک زرتشتی مرتکب قتل یک مسلمان شود در شرایطی ممکن است به اعدام محکوم گردد اما عکس آن صادق نیست (عمیقی، ۱۳۸۱: ۱۴۵-۱۴۶) سبب شد تا احساس تبعیض مجددا در میان زرتشتیان ایران شکل گیرد و تعداد زیادی از آنان مجدداً به دیگر کشورها مهاجرت کردند و نویسندگان زرتشتی داخلی نیز عمدتاً بجای پرداختن به مسائل روز به گذشته بپردازند (مهر، ۲۰۰۰: ۳۵-۳۶).

عوامل برون گروهی در بقای زرتشتیان

از جمله دلایل اصلی بقای زرتشتیان در ایران پس از اسلام به رغم تمام تفاوت‌ها و فشارهایی که توسط حکومت‌های وقت بر آنان وارد می‌شد، برخورداری از زیربنای اعتقادی بود که در مواردی چند با مسلمانان و پیروان دیگر ادیان الهی یکسان به نظر

می‌رسید. با توجه به متون کهن ایران باستان که برجای مانده از کتاب اوستا نیز می‌باشد و نیز آیات و روایات اسلامی، جای شک و تردیدی نیست که زرتشت پیامبری آسمانی محسوب می‌شود و عقاید و اندیشه‌های وی برخاسته از مبانی توحیدی می‌باشد. توحید، نبوت و معاد که شالوده‌ی اصلی ادیان و مذاهب توحیدی است و در میان پیامبران ادیان مختلف نیز مورد توجه قرار گرفته در آیین زرتشت نیز محور اصلی آموزش‌ها و پیام‌های آسمانی آن محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۴-۴۵).

از تفاسیر زرتشتی چنین بر می‌آید که هرکس در راه بشر و پیشرفت جامعه بشری، خدمتگزار و سودرسان باشد، «سوشیانت» است. از آنجا که زرتشت به صراحت خود را سوشیانت می‌خواند (خورشیدیان، ۱۳۸۴: ۱۹۵) و از سوشیانت‌هایی که بعد از او خواهند آمد، سخن می‌گوید و نیز از آنجا که زرتشتیان معتقدند، سه سوشیانت دیگر، که جملگی از نسل و فرزندان زرتشت به شمار می‌آیند در هر هزار سال یکبار برانگیخته خواهند شد و باز از آنجا که موعود آخرالزمان نیز در باور زرتشتی سوشیانت نامیده می‌شود (خورشیدیان، ۱۳۸۴: ۱۹۶)، می‌توان نتیجه گرفت که سوشیانت در آیین زرتشت مصادقی زیادی دارد که یکی از آنها انبیای الهی است (خورشیدیان، ۱۳۸۴: ۱۲) و این امر خود نکته‌ای غیر قابل اغماض بر باور زرتشت و زرتشتیان بر نبوت است.

یکی دیگر از اشتراکات اعتقادی میان مسلمانان و زرتشتیان باور به معاد به عنوان حقیقتی غیر قابل انکار است. با توجه به ماهیت پیچیده معاد شاید بتوان گفت، هیچ مسالهای در قرآن کریم به اندازه‌ای معاد و زندگی پس از مرگ بعد از توحید مورد توجه قرار نگرفته است (سبحانی، ۱۳۸۰: ۱۳۴-۱۳۳).

توجه به سه اصل اساسی توحید، نبوت و معاد از جمله اشتراکات اساسی میان مسلمانان و زرتشتیان بوده است که باعث شده با وجود تفاوت در بسیاری از آداب و عقاید به خاطر وجود شباهت در این سه مبحث اساسی و زیربنایی آنان تعاملات بهتری با هم داشته باشند و مسیر هموارتری را جهت زندگی در کنار یکدیگر طی کنند.

علاوه بر زیربنای اعتقادی یکسان تصویب برخی قوانین و تساهلات در بعضی از دوره‌های تاریخی به عنوان متغیرهای بیرونی اثرگذار بر زندگی زرتشتیان بر زندگی و ادامه حیات آنان در سرزمین مادری بسیار موثر بودند. به عنوان مثال، پس از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دین زرتشت به عنوان یکی از ادیان الهی به رسمیت شناخته شد که مسلمانان موظف هستند نسبت به آنان و دیگر پیروان ادیان الهی با اخلاقی حسنه، قسط و عدل اسلامی عمل کرده و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. همچنین از سال ۱۳۸۲ و بنا بر تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام، لایحه الحاق یک تبصره به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی درخصوص میزان دیه اقلیت‌های دینی ذکر شده در قانون اساسی کشور با مسلمانان را بررسی و با تایید نظر مجلس شورای اسلامی، رای به برابری دیه مسلمانان و غیرمسلمانان داد (منصور، ۱۳۸۵).

همچنین در یک اصل کلی می‌توان گفت اهل کتابی که در کشور اسلامی زندگی می‌کنند، مجازند در احوال شخصی طبق مذهب خود رفتار کنند. بنابراین، قوانین ارث اهل کتاب در مورد خودشان حتی در کشور اسلامی اجرایشده است؛ کفار، پیرو هر آیینی که باشند می‌توانند از یکدیگر ارث ببرند، یعنی چنانچه مثلاً یکی یهودی و دیگری مسیحی بود از یکدیگر ارث می‌برند (شریعتی، ۱۳۸۱: ۱۳۸).

از سوی دیگر در زمینه حقوق سیاسی در قانون فعالیت احزاب مصوب سال ۱۳۶۰، تشکیل انجمن اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده و در ماده ۴ آن آمده است: انجمن اقلیت‌های دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی، تشکیلاتی است مرکب از اعضای داوطلب‌های اقلیت دینی که هدف آن، حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد. بنابراین اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در صورت تمایل می‌توانند با مراجعه به وزارت کشور، تقاضای صدور پروانه کنند تا طبق ضوابط و تشریفات مقرر به گروه آنان رسمیت داده شود.

همچنین بر اساس اصل تساوی عمومی در مقابل قانون و برخورداری همه افراد ملت از حقوق مساوی در تمام زمینه‌ها، از جمله احراز مشاغل عمومی، اقلیت‌های دینی نیز از این حقوق بهره‌مند خواهند بود. از این جهت در قوانین عادی استخدامی و اداری بیشتر وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، برای ورود اقلیت‌های دینی منعی نیست (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۵۹).

از سوی دیگر قانونگذار اساسی در نظام حقوقی ایران در اصل سیزدهم با ظرافت خاص و به روشنی این مطلب را پذیرفته است که ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی در تعلیمات دینی، طبق آیین خود عمل کنند. وقتی به روشنی چنین مطلبی در قانون اساسی آمده است، آموزش تعلیمات دینی این سه دین الهی نیز مجاز اعلام می‌شود و پیروان این ادیان حق خواهند داشت که تعالیم آن را یاد بگیرند و یاد بدهند. همچنین در اصل پانزدهم، استفاده از زبان‌هایی غیر از زبان فارسی در مطبوعات و رسانه‌ها و تدریس ادبیات آن زبان‌ها را در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد اعلام می‌کند؛ برای مثال، آموزش زبان ارمنی، در مطبوعات و رسانه‌ها و تدریس آن در مدارس خاص در کنار زبان فارسی مانعی ندارد. ماده ۳ ضوابط و مقررات تأسیس مراکز و مؤسسات و کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی ضمن پذیرش حق تأسیس این مراکز برای اقلیت‌های دینی، تأکید می‌کند که تأسیس مراکز فرهنگی اقلیت‌های دینی رسمی کشور در محدوده امور فرهنگی آن اقلیت، منوط به اخذ مجوز و طبق ضوابط خواهد بود.

در عصر صفوی نیز شاه عباس اول صفوی سعی کرد تا رفتار تساهل‌نگرانه‌ای را با پیروان دیگر ادیان بویژه زرتشتیان در پیش بگیرد و فرصت بیشتری را در اختیار آنان قرار دهد تا بتوانند به انجام امور مربوط به آداب و مراسم دینی خود بپردازند. در این زمان مبلغ جزیه متعادل‌تر شد (تاج‌بخش، ۱۳۷۳: ۳۱۵). در عصر قاجار فشار بسیاری از طرف حکومت برای پرداخت جزیه و مسلمان شدن به زرتشتیان وارد می‌شد به گونه‌ای که مجوسیان نجس دانسته می‌شدند و در حکومت نه تنها جایگاهی نداشتند (کجباف، ۱۳۸۹: ۳۵). در عصر پهلوی نیز، تجلیل دولت از دوران پیش از اسلام ایران به دلایل سیاسی و اجتماعی و تلاش برای پیوند زدن میان همه گروه‌های مذهبی تحت لوای واحد ناسیونالیسم و تاریخ ایرانی، باعث ارتقاء حرمت زرتشتیان در چشم بسیاری از ایرانیان گردید (گاوین، ۱۹۹۱: ۵۲-۵۳).

نقش افراد نخبه فرهنگی و سیاسی غیرزرتشتی در بقای زرتشتیان

یکی از اقدامات توسط ناصرالدین شاه قاجار انجام شد. اقدام ناصرالدین شاه به عنوان پادشاه کشور در حذف جزیه‌های سنگین از زرتشتیان به عنوان اقلیت سبب بهبود شرایط اقتصادی و آغاز حضور زرتشتیان در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی گردید. همچنین، در این زمان بنا بر دستور ناصرالدین شاه نخستین مدرسه به همت امیرکبیر ساخته شد که افراد کلیه ادیان و طوایف می‌توانستند در آن تحصیل کنند.

شاید نتوان در صده اخیر کسی را مانند رضاخان یافت که به رشد و گسترش دین زرتشت و عقاید مربوط به آن علاقه مند باشد. معافیت زرتشتیان از پرداخت جزیه در کنار توجه گسترده به شعائر دینی توسط رضاشاه از جمله عواملی بودند که در بازگشت بسیاری از زرتشتیان هندی به ایران نیز موثر بودند. گرفت. تغییر نام خانوادگی پهلوی، تأمین بودجه جهت بازسازی آتشکده‌ها و برگزاری اعیاد و آیین‌های مرتبط با دین زرتشت از جمله مواردی بود که عرصه ورود زرتشتیان به جامعه را فراهم ساخت.

نقش افراد نخبه فرهنگی و سیاسی زرتشتی در بقای زرتشتیان

جهت بررسی این موضوع به بیان فهرست زرتشتیانی که بر رشد و بقا دین زرتشت در ایران نقش داشته‌اند پرداخته شده و اقدامات آنان به صورت اختصاری بیان می‌شود. نخستین نماینده پارسیان زرتشتی هند به ایران، نریمان هوشنگ بود که در آغاز با هدف پاسخ به سوالات دینی و احیای دین زرتشت وارد ایران شد و پس از آن مقدمه‌ای را برای آغاز داد و ستد و توسعه زمینه‌های اقتصادی برای زرتشتیان فراهم ساخت (شهمردان، ۱۳۶۳: ۴۷). از سوی دیگر ارباب جمشید بهمن را می‌توان یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین چهره‌های سرشناس زرتشتی در دوره قاجاریه دانست که نخستین زرتشتی بود که به مجلس شورای ملی راه یافت. عمده‌ترین عامل دتسیایی وی به این موقعیت را می‌توان پشتوانه مالی قوی او دانست (اورسل، ۱۳۸۲: ۱۳۶). همچنین تلاش‌های مانکچی لیم هوشنگ هاتریا منجر به امضا دستور معافیت زرتشتیان از پرداخت جزیه در عصر ناصرالدین شاه گردید (کجباف، ۱۳۸۹). اقدامات و سخت‌کوشی‌های ارباب رستم گیو و ارباب کیخسرو شاهرخ در کنار نفوذی که داشتند توانست اعتماد دوست و بیگانه را به خود جلب کرده و از این‌ها اعتماد در راه پیشبرد اغراض زرتشتیان استفاده

نماینده (اشیدری، ۱۳۵۵: ۲۵). یکی از تاثیر گذارترین افراد در به قدرت رسیدن رضاخان با همکاری سفارت بریتانیا سراردشیر ریپورتر بود به گونه ای که اقدامات او سبب شد تا بعدها دربار بریتانیا به پاس این خدمات، که به استقرار سلطنت پهلوی (آذر ۱۳۰۴/ دسامبر ۱۹۲۵) انجامید، به اردشیر ریپورتر مقام شهسواری امپراتوری بریتانیا اعطا کرد.

نقش مهاجرت در بقای زرتشتیان

با روی کار آمدن صفویه و تعیین اسلام به عنوان دین رسمی کشور جایگاه زرتشتیان که پیش از آن در عصرهای هخامنشی و ساسانی در اوج قدرت و شکوه بودند به شدت تنزل یافت. اجبار جهت پرداخت جزیه های سنگین توسط اقلیت ها و زرتشتیان و فشار روی آنان برای گرویدن به اسلام و دست کشیدن از دین خود در کنار تخریب بسیاری از آتشکده ها و آرامگاه های آنان باعث شد تا تعداد زیادی از آنان اقدام به مهاجرت به هندوستان نمایند تا از این طریق بتوانند آداب و آیین دینی خود را احیا نموده و به آن عمل کنند (کجباف و تشکر، ۱۳۸۷: ۱۸۳-۱۸۵).

یکی دیگر از دوره هایی که شاهد کوچ چشمگیر زرتشتیان هستیم پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. در این زمان بسیاری از زرتشتیان که در دربار پهلوی مسئولیت های مهمی را برعهده داشتند اقدام به مهاجرت و پناهندگی به کشورهای اروپایی، امریکایی و استرالیا نمودند (عمیقی، ۱۳۸۱: ۱۹۳).

نتیجه گیری

دین زرتشت که در دوران حکومت هخامنشیان و ساسانیان دین رسمی کشور بوده است سبب شکل گیری موقعیتی برای زرتشتیان گردید که با پیشرفت های آنان در جنبه های مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همراه بوده است. اما پس از ورود اسلام به تدریج رو به قهقرا گذاشت. انحلال امت اسلامی به دولت های کوچکتر و متعاقب آن حمله مغول بقایای این جامعه را بار دیگر تهدید کرد. شرایط اجتماعی زرتشتیان تا گسترش نفوذ غرب در ایران بر یک روش استوار بود و طبق قراردادی به نام اهل ذمه با آنان برخورد می شد. بقایای این جامعه زرتشتی که تا پیش از اسلام در اوج قدرت و منزلت اجتماعی بودند تنها مجاز به اشتغال در کشاورزی و تا اندازه ای تجارت بودند که این فقر زمینه را برای سقوط فرهنگی و اجتماعی آنان آماده کرده بود. بر این اساس هدف از این پژوهش بررسی سیر تحولات زندگی زرتشتیان ایران در دوره صفویه که در سال های ۸۸۰ تا ۱۱۰۱ هجری شمسی بر ایران حکومت داشتند. قاجاریه که از ۱۱۷۴ تا ۱۳۰۴ هجری شمسی زمامداران سرزمین ایران بودند. پهلوی که از ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ بر ایران حکومت داشتند و پس از انقلاب اسلامی ایران می باشد. در دوران صفویه با روی کار آمده حکومتی که مذهب خود را شیعه اثنی عشری مطرح می کند و زرتشتیان را تا جایگاه یک گروه اقلیت تنزل جایگاه می دهد، عرصه چنان بر آنان تنگ می شود که یا به زندگی های مخفیانه دست می زنند یا مهاجرت می کنند. بی احترامی ها و تنزل جایگاه اجتماعی زرتشتیان بنا بر نظر تاریخدانان گروه کثیری از زرتشتیان آن زمان مهاجرت به کشورهای همچون هندوستان را بر ماندن در سرزمین نیاکانی خود ترجیح داده و در هندوستان سکنی گزیدند این گروه که به پارسیان ملقب شدند در آینده ای نه چندان دور روابط نزدیکی را با زرتشتیان ساکن ایران به خصوص موبدان زرتشتی یزد و کرمان برقرار کردند. این رفتار در دوران رضاخان کاملاً متفاوت می شود وی که به دنبال احیای ارزش های ملی و زنده کردن رسوم و آیین ایران باستان است، جایگاه ویژه ای برای زرتشتیان قائل می شود و بسیاری از پست های مهم دولتی و سیاسی را به آنان واگذار می کند و بار دیگر حضور آنان در مناسک دولتی و سیاسی و اقتصادی جایگاه آنان را بالا برده و سبب می شود عده ای زیادی از مهاجران به ایران باز گردند و حتی گرایش از اسلام به زرتشتیت رواج یابد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی بار دیگر، جایگاه زرتشتیان به شدت افول پیدا می کند تا جایی که تا همین اواخر دیه مسلمان و غیر مسلمان برابری نداشت و اعتراضات به قوانین مربوط به ارث مسلمان از غیرمسلمان همچنان ادامه دارد. در واقع خروج از جایگاه والایی که در عصر پهلوی برای زرتشتیان ایجاد شده بود سبب شد تا تعداد بسیار زیادی از آنان مهاجرت کنند و تعداد دیگری بنا بر دلایل مختلفی همچون مساله ارثیه مسلمان شوند.

آنچه در خصوص جامعه زرتشتیان بخصوص پیش از عصر پهلوی دیده می شود، بویژه در زمان صفویه و قاجاریه دیده می شود، نوعی وادارسازی آنان به انزوا است. اما، این انزوا سبب نشد تا دید و نگرش منفی نسبت به آنان در جامعه پیدا شود. اندیشه های

زیربنایی زرتشت که مبتنی بر انجام رفتار نیکو و احترام به انواع انسان بود، باعث می‌شد تا آن‌ها از اعتماد ویژه‌ای در میان افراد شناخته شوند. زندگی آرام آن‌ها و توجه به کسب مهارت و امرار معاش در مناطق حاشیه‌ای و تلاش برای گذران زندگی حتی در چنین شرایطی از طریق برگزیدن حرفه‌هایی همچون کشاورزی بجای جنگ و یاغیگری از جمله دلایلی بودند که گروهی که در ایران ماندند توانستند همزمان به بقا خود ادامه دهند. چراکه توانستند با ایجاد نگرش مثبت و کسب اعتماد دیگر ایرانیان هر چند به سختی نه تنها به بقا خود ادامه دهند بلکه آرام آرام و از طریق روش‌های مختلفی همچون ساخت مدرسه برای غیر زرتشتیان و راه اندازی بانک‌ها، تجارتخانه‌ها و تجارتخانه‌های مختلفی که ضامن منافع ملی همه‌ای ایرانیان هم بود، اعتماد اقشار جامعه بویژه سیاستمداران را کسب کرده و نه تنها پس از مدتی در زمان ناصری به دلیل نفوذ در میان درباریان جزیه را حذف کنند بلکه در دوران پهلوی مناسب مهم حکومتی را در اختیار گیرند.

آنچه در تاریخ ماندگاری و بقای زرتشتیان مشاهده می‌شود خود نمودی از این موضوع است. آنجا که گروهی از زرتشتیان به رغم پیشینه غنی خود در سرزمین ایران داشتند به هندوستان مهاجرت می‌کنند. مهاجرتی که هر چند در کوتاه مدت سبب دوری آنان از سرزمینشان می‌شود، اما فرصتی برای تجدید قوا و حفظ اصول و ارزش‌های دینیشان می‌سازد که بعدها گروهی که توانسته‌اند از نظر اقتصادی و پایگاه اجتماعی موقعیت خوبی را برای خود کسب نمایند به ایران بازگشته و آداب زرتشت را به موبدان و پیروان زرتشت ادامه می‌دهند و در عین حال تجارتخانه‌هایی را تاسیس می‌کنند که سبب ارتقا جایگاه اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان و کسب جایگاه در دستگاه حکومتی برای آنان شد.

منابع

۱. اشیدری، جهانگیر، ۱۳۵۵، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، تهران، ماهنامه هوخ.
۲. اشیدری، جهانگیر. ۱۳۶۵. «یزد و زرتشتیان»، چیستا، ش ۳۰.
۳. افشار، ایرج. ۱۳۷۴. یادگارهای یزد. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۴. انگلیش، پل. و. ۱۳۴۰. «زرتشتیان ایران»، هوخ. دوره ۱۲، ش ۸.
۵. اورسل، ارنست، ۱۳۸۲، سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. بويس، مری، ۱۳۷۶، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاد، تهران: توس.
۷. تاج‌بخش، احمد. ۱۳۷۳. تاریخ صفویه. شیراز: نوید.
۸. خورشیدیان، اردشیر، جهانبینی اشو زرتشت، تهران: فروهر، ۱۳۸۴.
۹. دنت، دانیل. ۱۳۵۸. مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: خوارزمی.
۱۰. سبحانی، جعفر، خداومعاد، قم، دارالتبلیغ الاسلامی، ۱۳۸۰.
۱۱. شاهرخ، کیخسرو، ۱۳۸۸، زرتشت پیامبری که از نو بیاد شناخت، تهران: جامی.
۱۲. شریعتی، روح‌الله، حقوق و وظایف غیرمسلمانان در جامعه اسلامی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۱۳. شهردان، رشید، «اصول سه‌گانه مزدیسنا»، ماهنامه فروهر، شماره ۲ و ۱۳۶۱.
۱۴. عمید زنجانی، عباسعلی. ۱۳۷۰. حقوق اقلیت‌ها بر اساس قانون قرارداد ذمه. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. عیسوی، چارلز، ۱۳۶۱، تاریخ اقتصادی ایران (۱۲۱۵-۱۳۳۲ه.ق)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
۱۶. کجباف، علی اکبر و تشکری، علی اکبر، درآمدی بر شرایط اجتماعی زرتشتیان یزد از تاسیس سلسله صفوی تا پایان پادشاهی شاه عباس اول، فرهنگ ویژه تاریخ، شماره ۶۸، زمستان ۱۳۸۷.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

۱۸. منصور، جهانگیر، ایران، قوانین و احکام، مجموعه قوانین و مقررات حقوقی، همراه با آراء وحدت رویه، نظریات شورای نگهبان، نظریات مشورتی اداره حقوقی دادگستری، نظریات مجمع تشخیص مصلحت نظام، آراء دیوان عدالت اداری و، تهران ۱۳۸۵ش.

۱۹. مهر، فرهنگ، فلسفه زرتشت، تهران: انتشارات مانی، ۱۳۷۵.

۲۰. نیکنام، کوروش، زرتشتیان ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۸۱.

21. Boyce, M. (1977), *A Persian Stronghold of Zoroastrianism*, Oxford: Clarendon Press
Clark, L. V. (2001). "The Conversion of Bügü Khan", in *Studia Manichaica: IV Internationaler Kongress zum Manichäismus*, ed. R. E. Emmerick, W. Sundermann, and P. Zieme, Berlin, pp. 83-123.

22. Choksy, Jamsheed K., 1989, *Purity and Pollution in Zoroastrianism: Triumph over Evil*, Austin: University of Texas Press.

23. Hinnells, J. R. (2000), *Zoroastrian and Parsi Studies: Selected Works of John R. Hinnells*, Aldershot: Ashgate Pub Limited.